

ساختمان سازی و پیشرفت شهرسازی در روزگار خلافت عباسی^۱

مصطفی علم‌الدین^۲ ترجمه علی بحرانی‌پور^۲
سیده‌زهرا زارعی^۳

چکیده:

اعراب در دوره جاهلیت با زندگی شهرنشینی از طریق روند کنش و واکنش تمدنی با ملل همجوار آشنا شدند. منابع تاریخی به پیدایش شهرها در منطقه جزیره العرب در دوره قبل از میلاد حضرت مسیح اشاره دارند خصوصاً در منطقه یمن چنین بود یعنی همان جایی که فنون مختلف شهرسازی از جنبه‌های مختلف به کار می‌رفت. در نواحی مرزی با ایران و روم شهرهای تکوین یافت و به دلیل رشد تجارت در آن روزگار توسعه یافت. در منطقه نجد و حجاز در دوره ای نزدیک به پیدایش دعوت اسلامی تعدادی از شهرها که از نظر فاصله با هم تفاوت داشتند از قبیل طائف و یثرب و مکه پدیدار شدند که «ام القری» نامیده می‌شد. اسلام به عنوان مظهری از زندگی شهرنشینی برخاست. چنانکه سامان بخشی اسلام به امور تجاری و تشویق صنایع و کار، عاملی برای رشد شهرها شد. کارگسترش فرهنگ اسلامی و عربی در کشورهای همسایه با پیدایش [ساختن] شهرهای جدیدی همراه بود که خود در اصل پادگان‌هایی برای سپاهیان جنگجو بودند. منابع تاریخی این کار را به نام «تمصیر الامصار» یعنی ساختن مراکز برای هر ناحیه ذکر کرده‌اند. رومیان و ایرانیان نقش مهمی در رشد شهر در دوره خلفای راشدین و سپس امویان داشتند چرا که آنان صاحبان اصلی تخصص در هنر معماری بودند.^۴

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از فصل پنجم کتاب زیر:

مصطفی علم‌الدین. *الزمن العباسی*. بیروت: دارالنهضة، ۱۹۹۳، ص ۱۹۴-۱۸۳.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز Bahranipour@hotmail.com

۳. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه شیراز z.zarei88@yahoo.com

۴. به کتاب نگارنده با عنوان المجتمع الاسلامی مراجعه کنید، ص ۱۴۴ و بعد از آن.

هنگامی که قدرت به عباسیان انتقال یافت، اوضاع شهرنشینی به مراحل بسیار بالایی از پیشرفت رسیده بود. در عهد خلفای عباسی روشی از شهرسازی طراحی شد که اوضاع و احوال سیاسی، جغرافیایی و تحولات اجتماعی در پیدایش و رشد آن سهم داشت. گرایش که خلیفه منصور نسبت به دور شدن از سرزمین‌های متخاصم دمشق، عراق و حجاز نشان داد [در جهت دفاع از] سیاست توسعه پایتختش بغداد بود.^۱ همچنانکه گرایش معتصم در جهت دور کردن سپاهیان ترکی بود که خود تاسیس کرده بود. چرا که بغدادیان از اقدامات آنان در تنگنا قرار گرفتند، عاملی که موجب پیدایش ساختن شهر سامرا شد.^۲ در روزگاران بعد ثروت‌های فراوانی که در دست خلفا و سلاطین و حاکمان سرزمین‌ها و وزیران و اقطاع داران بزرگ جمع شده بود، زمینه وسیعی برای صرف در ساختمان سازی یافت. علاوه بر آن برتری تمدن ایرانی در آن روزگار که شهرسازی در انواع و اشکال خود مظهری برای آن بود، موجب رشد امکان مورد نیاز زندگی شهری از جمله بازارها و مدارس و چشم اندازهای دیگر شد.

واژه‌های کلیدی: بغداد، شهرسازی، خلافت عباسی، مسجد، حمام، دارالحکمه، بیمارستان.

۱- شهرسازی: مطالعه موردی بغداد:

شکل و ظاهر نقشه شهرها نشان می‌دهد که در سپیده دم عصر عباسی شهرها بر پایه جدیدی ساخته شده بود و با به کارگیری فنون جدیدی که در میان خواص رواج یافت. امید است نظری به نقشه کشی و تقسیمات شهر بغداد، دیدگاهی در باره ارتباط ساختمان سازی با مفاهیم اجتماعی از یک سو و پیشرفت اقتصادی از سوی دیگر ارائه دهد.

انتخاب مکان شهر بغداد بر اساس مبانی اقتصادی بود؛ چنانکه خطیب بغدادی در کتاب خود تاریخ بغداد می‌نویسد که مکان انتخاب شده برای ساختن شهر، در گذشته بازار تجاری در عهد پارسها بود که «سوق بغداد» (بازار بغداد) نامیده می‌شد.^۳

چنانکه طبری ذکر کرده است اعراب اولیه طی مهاجرت در آن جا مزرعه ای برپا کردند و سپس در آن جا بازار فروش احشامی در سال ۱۳ هجری ساخته شد.^۴

طبری در اشاره ای مهم تاکید می‌کند که منطقه خالی از سکنه نبوده، بلکه در میانه جایی بود که تعدادی از روستاهایی آن را احاطه می‌کرد که طبری نام آن‌ها را ذکر کرده است.

۱. همدانی: بغداد ص ۸۷-۸۸.

۲. مسعودی: مروج الذهب ۱/۲۷۲.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱/۲۵.

۴. الطبری: ۷/۶۱۸.

اطلاعی پیرامون مهندسانی که بر نقشه کشی شهر جدید نظارت می کردند، در دست نیست. همچنین در باره نوع کارگران به کار گرفته در ساختمان سازی اطلاعی نبود. مگر اینکه بر اساس روایت یعقوبی در البلدان - معتقد به مشارکت عده ای از کارگران که منصور آنان را از همه شهرها آورده بود.^۲ چیزی که نظر را جلب می کند، شکل شهر المعتمد است که با [نقشه های مرسوم] به شکل تقلیدی متفاوت بود. زیرا که بنا به پیشنهاد و اصرار خلیفه شهر به شکل بیضوی ساخته شد. حال آنکه شهرها تا پیش از آن شکل مستطیل به خود می گرفتند.^۳ یکی از معاونین خلیفه این انتخاب را به علاقه منصور نسبت به برقراری عدالت از نظر نزدیکی مکانی تمامی کارگزاران بزرگش به خود^۴ تفسیر کرده است.

در تاریخ بغداد اشاره ای به تعداد کارگران ماهر وجود دارد که تعداد آنها تا ۱۰۰۰۰۰ نفر می رسید؛ که عده ای از مهندسانی بر آنان نظارت داشتند که خود در سال ۱۴۱ ه.ق آغاز به طراحی نقشه آن جا کرده بودند. اما این طرح تا سال ۱۴۵ آغاز نشد.^۵ تاریخ پایان ساخت آن نیز دانسته نیست. به نظر می رسد که کار طی مراحل انجام می شد.^۶ شهر با دو باروی بزرگ احاطه شده بود، باروی نخست واقع در خارج شهر به ضخامت ۳۵ ذراع بود و خندقی آن را به شیوه شهرهای ایرانی از خارج جدا می کرد. باروی دوم دیواری داخلی به ضخامت ۲۰ ذراع بود که فاصله ای ۶۰ ذراعی آن را از دژ اولی جدا می کرد.^۷ شهر چهار دروازه داشت که دو به دو روبروی هم بود: دروازه الکوئه روبروی دروازه البصره، و دروازه خراسان روبروی دروازه شام. مسئولیت نگهبانی از هر دروازه به عهده فرمانده ای نظامی قرار داشت که ریاست هزار سرباز را بر عهده داشت.^۸ بین دروازه ورودی شهر و باروهای خارجی راهی اصلی فاصله می انداخت که در دو سوی آن طاق هایی برپا شده بود که تعدادشان به ۳۵ می رسید. در بازارهای شهر اصناف بر اساس حرفه هایشان رسته بندی شده بودند.^۹ اما در منطقه مسکونی واقع در روبروی (الرحبه)، فضای بازی در میان خانه ها یعنی در مرکز شهر و اطراف قصر خلیفه [مشهور به] «درب طلا» با گنبد سبزش و نیز در اطراف

۱. همان منبع، ص ۶۱۹. و از مشهورترین روستاهای مرکزی «الوردائیه» و «الشرقانیه» و «الخطایه» و «الکرخ» بود.

۲. ص ۲۳۸.

۳. البلادزی، فتوح البلدان ص ۳۶۱.

۴. یعقوبی، البلدان ص ۲۳۸.

۵. بغدادی، تاریخ بغداد ۱/۶۶.

۶. کارهای برای توسعه ساختمان های بغداد در زمان منصور و هم چنین جانشینانش صورت گرفت. بنگرید به همدانی: بغداد ۴۴-۵۱ و

التنوفی: نشوار المعاصرة ۱/۱۳۸.

۷. خضری، دولت عباسی، ص ۷۷.

۸. یعقوبی، البلدان، ص ۲۳۸.

۹. الخطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۶/۱۱ و شایان ذکر است که بازارها بر اساس انواع کالایی که در آن جا عرضه می شد مرتب شده بود

همانند بازار خربزه و تره بار (سوق البطیخ) و بازار گوسفند فروشی (سوق الغنم) و بازار خیاطان (سوق الخیاطین).

مسجد جامع معروف به مسجد مدینه منصور قرار داشت. کاخ‌های فرماندهان [و درباریان] خلیفه گرداگرد قصر و مسجد حلقه می‌زدند. در عین حال محل استقرار دیوان‌های دولت [عباسی] بین این کاخ‌ها قرار می‌گرفت.^۱ به نظر می‌رسد که سکونت در شهر بغداد مبتنی بر طبقه بندی اجتماعی بود. گروه‌های کارگران زمین‌هایی را در نزدیکی بازار در غرب رودخانه دجله به خود اختصاص داده بودند. همانگونه که گروه‌های ثروتمند در محله ای واقع بین بازار و مرکز شهر سکونت داشتند. اکثریت اینان از نزدیکان و دوستان خلیفه و نیز از فرماندهان سپاه بودند.^۲

منصور آب‌رسانی به شهر را از طریق دو کانالی که از شاخه‌های دو رودخانه دجله و فرات جدا می‌شد را شروع کرده بود. این دو کانال با طاق‌ها و زیرسازی مستحکمی بنا شده بود که قسمت‌های روبنایی آن به وسیله‌ی ساروج و آجر محکم شده بود. این دو کانال شهر را به دو قسمت تقسیم می‌کرد و به خیابان‌ها و راه‌ها و باغ‌ها راه می‌یافت. بنابراین چه در تابستان و چه در زمستان آب در این دو کانال قطع نمی‌شد.^۳ از جمله مجموعه‌هایی که در پیشرفت و ترقی شهر سهم داشت، ساختن محله‌ی رصافه به عنوان پادگانی برای سربازان خلیفه المهدی در ساحل شرقی دجله روبروی شهر منصور بود. پسر خلیفه منصور در سال ۵۱۰ ه. ق. دو سوی [رودخانه‌ی] دجله را به وسیله‌ی پلی مشهور به «جسرالکبیر» به یکدیگر متصل ساخت. به دلیل سخاوتمندی مهدی در بذل و بخشش اقطاعاتی به پیاده نظام در رصافه و نواحی مجاور، ساختمان‌سازی چنان توسعه یافت که رصافه به شهر [مستقل] دیگری مبدل شد که از نظر اهمیت دست کمی از بغداد روزگار خلیفه منصور نداشت.^۴ پس از آنکه اوضاع تجارت در بغداد گسترش یافت و ساختمان‌سازی در آن جا گسترش یافت، بغداد در روزگار هارون الرشید بزرگترین شهر مشرق زمین شد تا آن جا که به قول خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: «بغداد در سراسر جهان از نظر جلال و شکوه بی‌همتا است [هم‌چنین از حیث] وسعت توابع و گسترش ابعاد و تعدد خانه‌ها، کاخ‌ها، کوچه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها، دکان‌ها، بازارها، راه‌ها و گذرها، مساجد، حمام [گرما به] و راه‌های برون شهری و کاروانسراها، هوای مطلوب و آب گوارا، و سایه‌های خنک بی نظیر است».^۵

۱. یعقوبی، البلدان، ص ۲۴۰.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۱۲.

۳. خضری، دولت عباسی، ص ۷۸.

۴. یعقوبی، البلدان، ص ۲۵۲.

۵. تاریخ بغداد، ص ۸۰/۸.

به نظر می‌رسد که شهرسازی عباسی در قرن ۴ هجری نوعی از صنف بندی اجتماعی بر اساس تصمیم گیری دولتی را به عرضه کرده بود. هر شهر یک مرتبه دولتی را بر اساس تقسیم بندی به عنوان «مصر» [کلانشهر] «قصبه» [شهرستان] و «مدینه» [شهر] شناخته می‌شد به خود اختصاص می‌داد و با تقسیمات کوچکتر ناحیه [بخش] و «قریه» ادامه می‌یافت. پس مصر [کلان شهر] یا شهر مرکزی و مهم در هر منطقه بود که در آن مؤسسات دولتی و دیوان‌ها قرار داشتند.

جایگاه این گونه شهرها را در روزگار خود، ده شهر برشمرده است: که شامل بغداد، بصره، کوفه، ری، هرات، نیشابور، مرو، سمرقند، بلخ و مصر (قاهره) بودند.^۱ سپس در مرتبه دوم [قصبه بود] که مرکز ولایتی بود که تعداد آن را شامل چهارده مرکز ولایت شمرده‌اند. سپس مدینه (شهر) به طور خاص بود که شامل قصبه‌های بزرگ در هر اقلیم (ولایت) می‌شد. لفظ ناحیه را به مجموعه ای روستاهایی اختصاص داده اند که شهری بزرگ و اصلی را در بر می‌گرفت خاصه جاهائی که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک بودند. به نظر می‌رسد که تفاوت بین شهر و روستا بر اساس چگونگی کارکرد هر یک بوده است. چنانکه روستا بر اساس کشاورزی مبتنی می‌شد، اما تمرکز کارها در شهر بر اساس تجارت بوده است.^۲

۲- انواع ساختمان‌ها و سبک شهرسازی:

شهرسازی جدید عباسی از الگوی طراحی و خیابان کشی الگوی شهر بغداد پیروی می‌کردند. چنانکه مرکز شهر که حول مسجد جامع و کاخ حاکم، قرار داشت به ترتیب منطقه محل سکونت گروه ثروتمندان از جمله صاحبان قدرت و ثروت بود. در آنجا بناهایی وسیع تر می‌ساختند و حتی در آن کار افراط می‌کردند. برای تزئینات داخلی و خارجی این بناها مبالغی را به طور سخاوتمندانه ای خرج می‌کردند. خانه‌های گروه متوسط در ردیف بعد قرار می‌گرفت. حال آن که عامه مردم در حاشیه شهر و در گرداگرد بازارهای مخصوص به خود سکونت می‌یافتند.^۳ شهرها به وسیله دژهایی مستحکم نگهداری می‌شد که در اطراف شهرها برپا شده بودند، و برج‌هایی برای دفاع [از شهر] در برابر تهاجمات [خارجی] شهر را محافظت می‌کردند.^۴ از سوی دیگر ساختمان‌سازی شهرها را معمولاً موقعیت جغرافیایی آن‌ها از نظر نزدیکی به شهرهای دیگر [که صاحب سبک معماری خاصی بودند]، تعیین می‌کرد. آدام متز در کتاب خود تمدن اسلامی چهار سبک از شهرسازی را مشخص کرده است: شیوه یونان شرقی [بیزانس] در

۱. همان منبع، ص ۱۵.

۲. المقدسی، احسن التقاسیم، ص ۳۵.

۳. الطبری ص ۶۵۲/۷ و ۵۶/۸.

۴. البعقوبی، البلدان ص ۲۳۸.

شهرهای [ساحلی] دریایی مدیترانه و سواحل شام، سبک ایرانی-بابلی در سرزمین ایران و همسایگانش، سبک عربی و یمنی در صنعا، مکه و فسطاط؛ و نهایتاً شیوه شرقی در سرزمین‌های مجاور و در شرق ایران^۱ موجب تأسف است که گزارشی در باره چگونگی هر سبک و ویژگی‌های آن در دست نیست؛ [البته این] به استثنای برخی اطلاعات پراکنده ای است که در منابع وجود دارد؛ که درباره اختصاص داشتن کاربرد گنبدسازی به کاخ‌ها و بناهای عامه ایرانی شرقی^۲.

انواع ساختمان‌های درون شهری در شش نوع بنا قابل برشمردن است، [که عبارتند از]: مسجد، کاخ‌های خلفا، وزیران و امرا، خانه‌های خاص از گروه‌های متوسط، و در کنار آن بعضی از ابنیه عمومی مانند حمام و بیمارستان‌ها و مدرسه‌ها که هر یک در ذیل به طور جداگانه بررسی شده اند:

الف) مساجد:

عباسیان تلاش زیادی در جهت ساختن مسجد می‌کردند. میان حکام و تمامی رده‌های امرا و خاندانهای حکومتی و بعضی از ثروتمندان برای مسجدسازی رقابت وجود داشت. شاید انگیزه دینی در تقرب به خداوند از طریق ساختن مسجد، در کنار (همانند) توسعه درونی شهرها از دلایل تکرر فعالیت‌های مسجد سازی بود. بایستی میان مسجد جامع و مسجد عادی در هر شهر تمایز قایل شد. مسجد جامع همان مسجد مرکزی شهر بود که نماز جمعه تنها در آن برگزار می‌شد، از این رو مسجد جامع به سبب وجود منبر از مساجد عادی متفاوت بود. از نظر فقها بهتر بود که هر شهر فقط یک مسجد جامع داشته باشد.^۳ اما توسعه شهر و افزایش تعداد ساکنان شهرها موجب شد که تعداد مساجد جامع از یکی بیشتر شود. چنانکه منصور هنگامی که شلوغی شهر بغداد را خصوصاً در محله کرخ، محل سکونت اقشار کارگران، را احساس کرد، [در آن محله] مسجد جامع دیگری برپا کرد.^۴

در قرن چهارم هجری در بغداد سه مسجد جامع وجود داشته است. یکی در محله رصافه، دومی در شهر منصور و سومی در کاخ خلیفه. در حالی که در بخش شرقی بغداد ۱۵۰۰۰ دستگاه و در غرب ۳۰۰۰۰ دستگاه مسجد وجود داشته است.^۵ اصطخری در فلسطین و شهرهای آن از ۵۰ وجود مسجد یاد کرده

۱. متر، الحضارة الاسلامیه ۲/۲۷۳.

۲. المقدسی، احسن التقاسیم ص ۱۹۸.

۳. السیوطی، حسن المعاضرة، ۲/۱۵۵.

۴. البغدادی، تاریخ بغداد ۱/۷۶.

۵. الیعقوبی، البلدان ص ۲۵۰.

است.^۱ در حالی که در فسطاط به دو مسجد، و در بصره به سه مسجد جامع و ۷۰۰۰ مسجد عادی اکتفا کرده بودند.^۲ شایان ذکر است که مسجد جامع از نظر مساحت و اهمیت متفاوت با دیگر مساجد است. عباسیان به مساجد جامع [چنان] توجه می‌کردند که بنّایان در تزیین برخی از قسمت‌های آن به ویژه گنبد و مناره‌ها هنرنمایی می‌کردند. حال آنکه دیوارها و زمین آن خالی از هر گونه نقش و نگار بود، دلیل آن حکم دین اسلام مبنی بر پرهیز از تصویرگری و تجسم بود.

ب) کاخ‌ها:

مورخان و جهانگردان در آثار خویش به کاخ‌های محل اقامت خلفا و سلاطین و وزراء، اشاره کرده‌اند. [آنان] به تفصیل این کاخ‌ها را چه از نظر مساحت، و چه از نظر آرایشهای داخلی و اسباب و اثاثیه توصیف کرده‌اند. چنانکه کاخ منصور در وسط شهر بغداد، ایوانی به طول ۳۰ و عرض ۲۰ ذراع، و گنبدی سبز داشت که برفراز آن مجسمه سواری نیزه به دست قرار داشت.^۳ در قرن چهارم هجری توجه خلفا به کاخ سازی افزایش یافت. قصر خلیفه در زمان خلافت القادر شامل تعدادی خانه‌ها و بوستان‌ها و فضاهای بازی بود که به وسیله درختان، سایه دار می‌شد. از میان درختان جویهایی می‌گذشت که در مسیر آن‌ها حوضها و برکه‌هایی بود که معماران در ساختن آن‌ها هنر نمایی کرده‌بودند.^۴ مقریزی در کتاب الخطط خود می‌نویسد که در قصر ابن طولون در مصر حوضی از جیوه به شکل مربعی ساخته شده بود که هر ضلع آن ۵۰ ذراع بود و درون ستون‌های آن استوانه‌هایی از نقره خالصه و درون (حوضخانه ی) آن پرده‌های حریر خوش بافتی بود که از حلقه‌هایی از طلا [گذرانده شده بود].^۵ تاریخ بغداد از کاخ خلیفه المقتدر یاد می‌کند که یک حوض از سرب در میان بوستان هایش ساخته شده بود، و در اطراف آن برکه‌ای از جنس سرب جریان داشت؛ و در آن چهار قایق تندرو [بلم کوچک] طلا کاری شده قرار داشت.^۶

به نظر می‌رسد که باورهای اجتماعی مسلط در میان اقشار میان حال و ثروتمند در بخش بندی کاخ‌ها رعایت می‌شده است. به این ترتیب که کاخ‌ها از ترکیب سه نوع اتاق تشکیل می‌شد: اتاق صاحب کاخ،

۱. الاضطخری، مسالک و ممالک ص ۵۸.

۲. المقدسی، احسن التقاسیم، ص ۱۱۷.

۳. الخضری، الدولة العباسی، ص ۷۸.

۴. الصابی، الوزراء، ص ۴۲۰.

۵. المقریزی، الخطط، ص ۳۱۷/۱.

۶. البغدادی، تاریخ بغداد، ص ۵۳/۱.

خانه کنیزان و حرمسرا؛ در میان این اتاقها رواقها و گذرگاههایی فاصله می‌انداخت که بر حسب امکانات مالی صاحب کاخ توسعه می‌یافتند.^۱ بعضی از مورخین در ذکر تعداد اتاق‌های کاخ‌ها مبالغه کرده اند، حتی درباره کاخ عضدالدوله بویهی گفته اند که ۳۶۰ اتاق داشت و در طول سال به نوبت هر شبانه روز در یکی از آنها می‌نشست.^۲ بعید نیست که در مصر و دیگر سرزمین‌ها ساختن کاخ‌ها، عرصه‌ای برای رقابت درباریان، خلفا، سلاطین و به ویژه وزرا بود. چنانکه در عصر حکومت‌های متقارن تعدد [فراوانی] کاخ‌ها و هنرنمایی‌هایی در عمارت آن‌ها پدیدار گشت.

ج) خانه‌ها و عمارت‌ها:

اعضای اقشار طبقه متوسط خانه‌هایی برمی‌گزیدند که از نظر شکل و نقشه به کاخ‌ها شبیه بود؛ بدون این که مساحتی به اندازه کاخ‌ها داشته باشد. نقشه خانه‌ها به صورت مستطیلی با زاویه‌های تیز بود که اندازه عرض آن، دو سوم طولش بود. در میان فضای خانه و در خارج از آن راهرویی فاصله می‌انداخت که مستقیماً به حیاط خانه می‌رسید.^۳ چنانکه به قول دینوری در کتاب «التعبیر فی الروایا»،^۴ وجود حمام در چنین خانه‌هایی، آنها را از خانه‌های اقشار پائین تر جامعه متمایز می‌کرد. خانه‌های کذکور با درهایی از آهن یا از چوبی که با آهن پوشانده می‌شد یا صرفاً از چوب بسته می‌شد. دیوارها با گچ زینت می‌یافت؛ اتاق‌های نشیمن در نزدیکی حیاط قرار می‌گرفت.^۵ خانه‌ها به یک اتاق بالایی مجهز بودند که العلیه (بالاخانه) نامیده می‌شدند و پلکانی به سوی آن بالا می‌رفت. اتاق‌های مربع شکل برای سکونت به کار گرفته می‌شد، نوعی از آن اتاق‌ها بر اساس قوانین اجتماعی مبتنی بر جدایی جنسیتی، به زنان اختصاص می‌یافت.^۶ راهروهای زیرزمینی برای نگهداری از اشیای گرانبها به کار می‌رفت.^۷ از برخی روایات برمی‌آید که عباسیان بلند شیوه‌ی مرتبه‌سازی را در خانه‌سازی [را در سطح وسیع برای نخستین بار به جهانیان] معرفی کرده اند. به نظر می‌رسد که دلیل این امر بحران شدید مسکن در قرن چهارم هجری

۱. متر، الحضارة الاسلامیه، ص ۲۰۳/۲.

۲. المقدسی، احسن التقاسیم، ص ۴۴۹.

۳. متر، الحضارة الاسلامیه، ص ۲۰۴/۲.

۴. ص ۵۶.

۵. الاغانی، ص ۲۱۳۹/۲.

۶. الجاحظ، البلاء، ص ۳۹.

۷. الیاقوت، مجم الادب، ص ۳/۱.

بوده است. چنانکه ناصر خسرو در سفرش به مصر می‌نویسد که در آن جا «خانه‌هایی چهارده طبقه و یا هفت طبقه وجود داشت»^۱.

خانه‌های درباریان عباسیان دور از همدیگر بود؛ اما محله‌های مردم عامه از اتاق‌ها یا خانه‌های معمولی انباشته می‌شد و به گونه‌ای بود که پنجره‌های خانه‌ها به کوچه‌هایی باریک باز می‌شد. خانه‌های فقرا خالی از هر گونه حمام بود و صاحبانشان در نزدیکی چاه حمام می‌کردند یا آنکه [حمام] در یک مکان تنگ و ناپاک با دستشویی یکی می‌شد.^۲

د) حمام‌ها

منابع تاریخی به حمام‌های اولیه اشاره می‌کنند که در تمدن یونان و روم شناخته شده بود. حتی در ایران قبل از اسلام هیچ گونه حمامی وجود نداشته است.^۳ به نظر می‌رسد که عادت استفاده از حمام از زمان عباسیان پدید آمده باشد؛ و حمام را با صفت «الرومی» می‌نامیدند. که اشاره‌ای بود به منشاء آن.^۴ توجه شامیان به حمام‌سازی پیش از مردم دیگر سرزمینها بود. خصوصاً از آن نظر که این حمام‌ها را با تصویرهایی در دیوارها تزئین می‌کردند. در مروج الذهب آمده است که در حمام‌های شام تصویر پرندۀ افسانه‌ای سیمرغ با سر و چهره انسان وجود داشت.^۵ خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد تعداد کارکنان حمام‌ها را مشخص کرده، آنان را به پنج نفر (قشر) محدود کرده است: یکی «قیم» (حمامی یا دَلاک) یعنی سرپرست یا رئیس حمام که تن مردم را می‌شست، «الزبال» (زُفته‌گر) یا کسی که دور ریختن زباله به ویژه خشک حمام را بر عهده داشت. «الوقاد» (تون) یا کسی که در تون حمام کار می‌کرد، و نهایتاً سقا (آب‌کش) و دقیقاً معلوم نیست که چه وظیفه‌ای داشته است.^۶

به نظر می‌رسد رسم حمام‌سازی تا آغاز قرن چهارم هجری رو به رشد بوده است، اما از آن پس آغاز به رکود رفت. در حالی که مورخان در آغاز قرن چهارم از فعالیت تعداد ۱۰/۰۰۰ حمام در بغداد یاد می‌کنند،

۱. مرحله ناصر خسرو، ص ۷۰.

۲. الحافظ، البخل، ص ۱۷.

۳. الطبری، ۱/۱۹۹.

۴. متز: الحضارة الاسلامیه، ۲/۲۴۴.

۵. المسعودی: مروج، ۳/۲۹.

۶. البغدادی: تاریخ بغداد، ۱/۷۴.

اما این تعداد در نیمه قرن به ۵۰۰۰ کاهش یافت.^۱ اشاراتی [در تواریخ] موجود است که حمام‌ها، به ویژه پشت بام هایشان، قیراندود می‌شد. چنانکه به نظر بیننده می‌رسید که جنس آن از مرمر سیاه است.^۲ شرح‌های پرجزئیاتی در باره انواع حمام‌ها و چگونگی کارکرد آن‌ها در دسترس نیست؛ به استثنای اشاراتی که در مورد گرم نگه داشتن و تهویه حمام‌های برای گروه خاصی از مردم میانه حال، و نیز درباره همراهی برخی خدمتکاران خاص برای حمام کردن این افراد وجود دارد.^۳ هم چنین اشاره ای مفصل در باره اختصاص وقت مشخصی یا روزهای معینی برای [استفاده زنان از حمام] در این مورد در دست نیست.

هـ) «المشافی» یا بیمارستان‌ها:

همان گونه که از کلمه آن برمی‌آید مفهوم بیمارستان به اصطلاحی فارسی به معنی مکان معالجه و درمان بیمار و اصلاً به معنی «محل بیماران» است. و امروزه معادل کلمه عربی (المشفی) است. به نظر می‌رسد که در عصر عباسی بیمارستان در مکان‌های واحدی در کنار مدرسه‌های طب قرار داشت که شبیه دانشکده‌های پزشکی امروزی (C.H.U) بود به ویژه که دانشجویان دروس نظری پزشکی را در آکادمی پزشکی می‌گذرانیدند. هم چنین به طور علمی بر بیماران داخل بیمارستان‌های مجاور نظارت داشتند.^۴ بیمارستان در تمدن اسلامی تا قبل از خلیفه اموی ولید بن عبدالملک شناخته شده نبود. وی [ولید بن عبدالملک] در سال ۸۸ ه.ق اولین بیمارستان را در دمشق ساخت.^۵ گذشته از این در زمان عباسی پیشرفت هایی در بیمارستان‌ها چه از نظر تخصص گرای و چه از نظر صرف هزینه در [تجهیز] بیمارستان‌ها، [به جهانیان] نشان داد. چنانکه خلیفه منصور در بغداد برای نابینایان و پیرزنان بازنشسته بیمارستانی ساخت و بیمارستانی هم برای معالجه دیوانگان برپا کرد.^۶ به سبب پیشرفت علوم پزشکی بر اثر ترجمه آثار یونانیان که حاصل شد، بسیاری امراض شناخته شدند. در سال ۳۵۵ هجری قمری تنها در بغداد ده بیمارستان در رشته‌های مختلف تخصصی وجود داشت که از آن جمله اند: بیمارستان مبتلایان به جذام، بیمارستان دیوانگان، بیمارستان مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیمارستانی برای عملیات

۱. المرجع نفسه ص ۱۶ و ۷۶.

۲. رحلة ابن جبیر، ص ۲۳۰.

۳. ر.ک: الاغانی ۲۳۵/۱۹.

۴. احمد عیسی: المارستانات فی اسلام ص ۱۹.

۵. احمد رمضان: حضاره الدولة العباسیه ص ۱۴۷.

۶. همان منبع، ص ۱۴۷.

جراحی بود.^۱ اشاراتی در باره هزینه‌های ساختمان بیمارستان احمدبن طولون در مصر، در دست است که برای آن ۶۰ هزار دینار خرج کرد.^۲ شایان ذکر است که معالجه در این بیمارستان‌ها به رایگان صورت می‌گرفت. حکام به سبب توجهی که به بیمارستانها داشتند، در روزهای جمعه بیمارستانها را بازرسی می‌کردند و به شکایات بیماران در آن جا گوش می‌دادند.^۳

(و) مدارس (دارالعلم‌ها)

مسجد در سراسر دوران اسلامی مکانی برای تدریس و محل اصلی برخورد علوم از فراسوی محافل [علما] در رشته‌های گوناگون از فقه و تفسیر و حدیث بود. روی آوردن گروه‌های ثروتمندان و طبقه متوسط جامعه به مباحث فرهنگی به ویژه بعد از شکوفایی نهضت ترجمه و انتقال علوم خارجی به جهان اسلام و عرب، در ایجاد انواع مراکز علمی تأثیر داشت که رشته‌هایی از علم در خود گرد آورده بود. مراکز علمی مذکور از آن جمله اند: کتابخانه‌های عادی که در آن زمان خزائن الحکمه نامیده می‌شد. این نام اشاره ای بود به تعداد فراوان آثاری که در دوره خلفای اولیه قرار داشت و خلفا مؤلفین آن‌ها را هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی تشویق و حمایت می‌کردند. از مشهورترین این مراکز، خزانه هارون الرشید بود که مامون آن جا را توسعه داد. و مترجمانی را برای برگردان کتاب‌های وارداتی به زبان عربی اختصاص داده، آن جا را «دارالحکمه» نامید. به نظر می‌رسد که محل این عمارت در داخل کاخ خلیفه قرار داشت و خود مکان مستقلی نبوده [و جزء کاخ بوده] است.^۴ یاقوت در کتابش معجم البلدان می‌نویسد که مرو از دوازده کتابخانه برخوردار بود که در یکی از آن‌ها دوازده هزار جلد [کتاب] وجود داشت.^۵ همان گونه که فاطمیان در مصر دارالحکمه را در رقابت با دارالعلم بغداد و برای ترویج اصول اعتقاداتشان^۶ به وجود آوردند. از دیگر مراکز علمی در آن زمان مکتب‌خانه‌هایی (کُتَّاب) برای آموزش پسران بود. از روایت‌ها بر می‌آید که احتمالاً این مراکز از ملحقات مساجد به شمار می‌رفت همچنانکه در مصر نیز بود.^۷ گاه مکتب خانه‌ها در در منازل صاحبان علم و یا معلمین [این مکتب خانه‌ها] قرار داشت. بر حسب گزارش معجم الادباء یکی از این مکتب خانه‌ها در آغاز قرن چهاردهم، سه هزار طلبه را در بر می‌گرفت که هر عده در

۱. ابن ابی أصیبه: طبقات الاطباء ص ۹۵.

۲. احمد عیسی: المارستانات ص ۲۴.

۳. احمد رمضان: حضارة الدولة العباسیه ص ۱۴۷.

۴. الخضری: الدولة العباسیه ص ۲۲۰.

۵. معجم البلدان: ۵۰۹/۴.

۶. متر: الحضارة الاسلامیه ۳۳۱/۱.

۷. المقریزی: حظ. ۲۷۳/۲.

گوشه ای از آن قرار می‌گرفتند. چنانکه معلم «حتی برای رفت و آمد میان آن بخشها و نظارت بر آنها نیازمند به سوار شدن بر الاغ خود بود».^۱ همچنین معلوم شده است که تحصیل در مرحلهٔ مکتب خانه، مقدم بر مرحلهٔ ورود حلقه‌های درس به مسجدها بوده است، یعنی این که معادل با پایهٔ تحصیل روضه (ابتدایی) در روزگار ما بوده است. یکی دیگر از مراکز علمی مشخص در دورهٔ عباسی خانقاه بود که کلمه ای فارسی و به معنای خانه درویشان است. صوفیان در قرن چهارم هجری از این خانقاه‌ها بسیار ساختند که در کنار [چله خانه‌ها] (اتاق‌های مخصوص عبادت)، مکانی برای تدریس مبادی فقه، لغت و خط عربی به طلبگان وجود داشت.^۲ انواع آموزش‌ها در اواخر عصر [عباسی] پیشرفت کرد تا این که در قالب مدارس اختصاصی مانند مدرسه نظامیه در جندی شاپور مدون شد که توسط نظام‌الملک وزیر تأسیس شد و به [نظام الملک] منسوب است.^۲ متأسفانه شرح پر جزئیاتی دربارهٔ چگونگی این مراکز و شکل آن‌ها در دست نیست. گر چه مایلیم که [بگوئیم] که این مؤسسات نقشه‌ای منسجم با اشکال هندسی داشته است که در این گونه اماکن همیشه وجود داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. یاقوت: معجم الادبء ۲/۶۵.

۲. المقریزی: خطط ۲/۴۲۷.